

معلم، انتقال دهنده‌ی دانش یا...



هویت تاریخی یک ملت پیوند خورده است. از جمله‌ی این بزرگان استاد شهید مطهری است که توانست رسالت معلمی را با پیوند دادن علم و تقوا (ایمان) به اوج برساند. راه این شهید بزرگوار و رهروان آن گرامی باد. در شماره‌ی گذشته، بحثی را درخصوص نیاز به تحول در آموزش زبان، هم‌گام با نیازهای فعلی کشور آغاز کردیم که در این شماره آن را پی می‌گیریم. دو عنصر مهم در ایجاد هر تحولی در آموزش عبارت‌اند از: برنامه‌ی درسی و معلم. از آن‌جا که سخن را با جایگاه معلم آغاز کردیم، بحث مربوط به برنامه‌ی درسی را به

فرا رسیدن بهار آفرینش و هم‌زمانی آن را با ایام بزرگداشت مقام معلم به فال نیک گرفته و گرامی می‌داریم. معلم با قرار گرفتن در مسیر انبیا، رسالت هدایت بشر را در مسیر تعالی برعهده دارد. پذیرش این مسئولیت معلم را در تعامل با جان آدمیان قرار می‌دهد که موضوع رشد و تعالی آن‌هاست. از این دیدگاه، معلم قبل از هرچیز به خودسازی نیاز دارد تا بتواند با قرار گرفتن در مسیر رشد فردی، زمینه را برای تأثیرگذاری بر دیگران فراهم کند. در این راه، انسان‌های بزرگی قدم گذاشته‌اند که تأثیراتشان از یک نسل فراتر رفته و به

→
→

مدیریت و نظارت بر کسب دانش از طریق ایجاد نیاز به آن‌ها و معرفی منابع و نظارت بر نحوه استفاده از آن‌ها نیز بخشی از رسالت آموزشی معلم را تشکیل می‌دهد

فعالیت‌های انفرادی یا به صورت پروژه در خارج از محیط آموزشی مدیریت و نظارت کنیم.

این نحوه برخورد با آموزش زبان، معلم را در نقشی قرار می‌دهد که با واقعیت‌های موقعیت کنونی آموزش زبان تناسب دارد و باعث می‌شود که علاوه بر استفاده بهینه از زمان آموزش، از امکانات فناوری اطلاعات نیز به‌خوبی بهره‌برداری شود. در مقایسه با یکدیگر، نقش معلم در مدیریت فرایند یادگیری از نقش سنتی وی به عنوان انتقال‌دهنده دانش به مراتب پیچیده‌تر است و به دانش‌ها، مهارت‌ها و فوونی نیاز دارد که معمولاً در دوره‌های کنونی تربیت معلم کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در ادبیات آموزش زبان، «دانش‌آموز محوری» بسیار مورد تأکید قرار گرفته است، ولی در تربیت معلم مهارت‌های لازم برای لحاظ کردن نیازها و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان و افزایش خودتکایی و تقویت خود راهبری در آن‌ها به شکلی عملی آموزش داده نمی‌شود.

یکی از راه‌های ممکن برای تقویت اعتماد به نفس و ایجاد خودتکایی در زبان‌آموزان، بهره‌گیری از رایانه در آموزش زبان است. برای به‌کارگیری امکانات رایانه در آموزش زبان، داشتن سوادکافی رایانه‌ای از ضروریات است. بدون آموزش‌های لازم در زمینه‌های یاد شده نمی‌توان انتظار داشت که معلمان بتوانند رسالت بزرگ خود را در موقعیت کنونی (تحول بنیادین در آموزش و پرورش) به‌خوبی ایفا کنند. این نکته ضرورت توجه جدی به آموزش‌های ضمن خدمت معلمان و حمایت از معلمانی را که خود به دلیل احساس نیاز، برای دستیابی به مهارت‌های لازم تلاش می‌کنند، گوشزد می‌کند. علاوه بر آموزش و حمایت از معلمان در جهت ارتقای دانش و مهارت‌های حرفه‌ای خود، برنامه‌ی درسی نیز باید زمینه‌ی دانش‌آموزمحوری و استفاده از فناوری‌های روز را برای معلمان فراهم کند. در شماره‌ی آینده به نقش برنامه‌ی درسی در ایجاد تحول در آموزش زبان خواهیم پرداخت.

شماره آینده موکول می‌کنیم و به نقش معلم در ایجاد تحول می‌پردازیم. یکی از مؤلفه‌های مهم در آموزش، آگاهی از موقعیتی است که آموزش در آن تحقق می‌پذیرد. به عبارت دیگر، آموزش در موقعیت زمانی و مکانی ویژه‌ای شکل می‌گیرد که منابع و محدودیت‌های خاص خود را دارد. چنانچه آموزش با عنایت به منابع و محدودیت‌ها سازمان‌دهی نشود، در مؤثر بودن آن جای تردید وجود خواهد داشت.

در نگاهی کلی، یکی از مهم‌ترین امکاناتی که دنیای امروز را از گذشته‌ی نه چندان دور متمایز می‌کند، وجود «فناوری اطلاعات» است که بر زوایای گوناگون زندگی بشر تأثیر گذاشته است. نماد این فناوری شبکه‌ی جهانی اینترنت است که اطلاعات را به معنی عام آن، یعنی دانش بشری، از انحصار افراد و دولت‌ها خارج کرده و آن را به عنوان سرمایه‌ای مشترک در اختیار همهی انسان‌هایی قرار داده است که به آن دسترسی دارند. اگر در گذشته مرجعیت معلم از دانش وی سرچشمه می‌گرفت، چرا که وی به دانشی دسترسی داشت که در اختیار دانش‌آموزان نبود، در حال حاضر دسترسی به دانش به‌راحتی برای دانش‌آموزان امکان‌پذیر است. لذا قرارگرفتن معلم در نقش انتقال‌دهنده‌ی دانش با موقعیت کنونی آموزش هماهنگی ندارد.

آنچه در موقعیت کنونی می‌تواند معلم را در انجام رسالت آموزشی خود یاری دهد، دخالت در فرآیند یادگیری از طریق تأکید بر مهارت‌ها و راهکارهای یادگیری است که دانش‌آموزان قادر به دستیابی به آن‌ها خارج از محیط آموزشی و به شکل خودآموز نیستند. علاوه بر آن، با وجود در دسترس بودن دانش مورد نیاز، به دلیل گستردگی و تنوع منابع، دسترسی به آن‌ها بدون داشتن دانش کافی از حیطه‌ی موردنظر، چندان آسان نیست. بنابراین مدیریت و نظارت بر کسب دانش از طریق ایجاد نیاز به آن‌ها و معرفی منابع و نظارت بر نحوه استفاده از آن‌ها نیز بخشی از رسالت آموزشی معلم را تشکیل می‌دهد. برای مثال، در آموزش زبان با جداکردن مهارت‌ها و راهکارهای یادگیری و کاربرد زبان از دانش‌های زبانی، شامل دانش دستوری، واژگانی و آوایی، می‌توانیم از زمان اختصاص یافته به آموزش به بهترین وجه در جهت تسلط دانش‌آموزان به مهارت‌ها و راهکارها استفاده کنیم و ارتقای دانش زبانی را از طریق

